

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: راه های تحکیم خانواده در فرآیند جهانی شدن

زهرارضائی*

چکیده

خانواده همیشه و همه جا و در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اساسی ترین نهاد اجتماعی زیربنای جوامع و منشاء فرهنگ ها، تمدن ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی خود، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است. انسان ها در زندگی خود، از دیگران تأثیر می پذیرند و بر آنها تأثیر می گذارند. جهانی شدن هر چند پدیده ای جدید محسوب می شود، ولی به یک معنا فرآیندی تاریخی است. بسیاری از ادیان دغدغه جهانگیر شدن داشتند، چنان که در آیاتی از قرآن به رسالت جهانی رسول اکرم (ص) تصریح شده است. جهانی شدن به فشردگی، درهم تنیدگی و وابستگی جهان تعریف شده است. در فرآیند جهانی شدن فشردگی زمان و مکان به حدی فزاینده است که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می شوند... جهانی شدن فرآیندی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. هر چند این مسأله در ابعاد اقتصادی و تکنولوژیک مقدم و زیربنایی است، لیکن توجه و تأکید بر جهانی شدن فرهنگی بدین جهت است که آثار مستقیمی بر رفتار و هویت مردم و نهادهای اجتماعی دارد. هدف از این مقاله بررسی ویژگی های جهانی شدن و پیامدهای آن است. که به روش کتابخانه ای و اسنادی انجام شده است.

کلیدواژه: تحکیم، خانواده، فرآیند، جهانی.

* - دانش آموزندگان حوزه علمیه جوادالائمه آبدانان - ۰۹۱۸۹۴۵۷۷۴۶ - aliagh419@gmail.com

۱- مقدمه

اسلام به عنوان يك مكتب انسان‌ساز، بيشترين عنايت را به تکریم، تنزيه و تعالی خانواده دارد و اين نهاد مقدس را کانون تربيت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد اين بنا می‌داند و هدف از تشکيل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمرد. خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طريق نسب یا سبب و رضاع با يکديگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترکی پديد آورده‌اند و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند. در يك نگاه ساده متوجه می‌شویم که عناصر اصلی تشکيل دهنده خانواده، يك زن و يك مرد است که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش با يکديگر پیوند زناشویی بسته‌اند و بعد فرزند یا فرزندان بر جمع آنها افزوده شده است (ر.ک؛ بهشتی، ۱۳۶۱: ۴). در واقع، «خانواده متشکل از افرادی است که از طريق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با يکديگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک پديد می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند» (ر.ک؛ جهانفر، ۱۳۷۶: ۱۳۰-۱۲۱)؛ یعنی «خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با يکديگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به يکديگر خویشاوند محسوب می‌شوند» (همان).

پس خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد. قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین، جهت تعالی کارایی خانواده لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود. لذا تحکیم روابط در خانواده از جمله مهم‌ترین مسایل در سلامت و رشد فرد، همچنین پویایی و توسعه همه‌جانبه در جامعه است. یکی از نهادهای مهم جوامع، خانواده است که بی‌تردید متأثر از توسعه و جهانی شدن، دچار تحولات جدی گردیده است. کارکرد اساسی خانواده ارضای نیازهای عاطفی و روانی مرد و زن، تداوم نسل انسانی، پرورش و اجتماعی کردن فرزندان داست.

۲- مفاهیم

- خانواده

خانواده در لغت به معنای سپر آهني است و برای مرد نیروی مطمئن می‌باشد. (فیروزآبادی، قاموس للمحیط، ج ۲، ص ۱۲۸) و در جای دیگر خانواده به معنای عشیر و خاندان او است چراکه با ایشان قدرتمند می‌شود. (سالاری فرد، ۱۳۸۸، ص ۱) بنابراین نظریه خانواده تنها در حوزه و قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست بلکه شامل نزدیکان و خویشاوندان او که با آنها قدرتمند می‌شود نیز می‌باشد.

خانواده در اصطلاح

کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که از ازدواج شرعی زن و مرد حاصل می‌شود و با فرزند تکمیل می‌یابد که پس از ازدواج حقوق متقابل جدیدی بین افراد این نهاد شکل می‌گیرد. (جلالی، ۱۴۰۱، ص ۱۲) بنابراین تعریف خانواده شامل زن و شوهر، فرزندان و خویشاوندان ایشان است و با این معنا همسویی دارد؛ اسلام برای تمام افراد در مقابل خانواده، قوانین و سنت‌های خاص اعم از حقوق و وظایف تربیتی وضع کرده است و ایشان را ملزم به انجام آن‌ها ساخته است. (سالاری فرد، ۱۳۸۸، ص ۲)

۳- اهمیت تحکیم خانواده

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می‌باشد. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه خانواده‌های سالم و امن پدید آمده است. قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی عظیم از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی می‌تواند انسان را برای دستیابی به بهترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. برخی از سوره‌های قرآن به صورت خاص مسایل خانواده را بیان می‌کنند؛ مانند سوره‌های نساء، انسان، تحریم، طلاق و ... اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که پایه‌گذاران آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود.

خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی باایمان در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل برای نسل آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود جا مانده و به اهداف متعالی خود نمی‌رسند. مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «سکونت و آرامش اعضا» است، لازم است که همه رفتارها و تعامل‌ها در راستای تحقق این هدف باشد.

۴- ازدواج؛ گام نخست در تشکیل و استحکام خانواده

ازدواج پدیده‌ای خاص و منحصر به انسان نیست، لیکن در او زمینه‌ساز انسانیت، و پیش‌درآمدی برای رسیدن به مقاصد عالی است. تاکنون کسی نتوانسته است در روابط زن و مرد چیزی بهتر از ازدواج ابداع کند؛ ازدواجی که

میان انگیزه جنسی و عشق و سعادت فرزندان حاصل از آن پیوند برقرار می‌کند. ادامه زندگی بدون عشق محال نیست، اما دشوار است. پیامبر (ص) فرموده است: «هیچ چیز در نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که در اسلام با ازدواج آباد شود» (مشکینی، ۱۳۷۰: ۱۱). قرآن کریم در باب قانون ازدواج می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های خدا این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به واسطه آنها آرامش بیابید و میان شما بذر رأفت و محبت افشاند تا مایه بقای زندگی نوع باشد. نشانه‌های خدایی در این امر بر اندیشمندان آشکار است» (الرّوم/۲۱). یکی از این نشانه‌های الهی آن است که هر فردی از بشر در برابر خود از نوع خود جفتی می‌یابد تا مسأله توالد و تناسل صورت گیرد و آنها به گونه‌ای آفریده شده‌اند که محتاج یکدیگرند و هر یک با دیگری به کمال خود می‌رسد و این همان میل جنسی است که خداوند آن را در وجود دو نفر به امانت نهاده است» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۱۸).

از این آیات و روایات استفاده می‌شود که اساس ازدواج یا نکاح که به معنی عمل همخوابگی است، بر همین حقیقت طبیعی است، نه شهوت‌رانی و لذت‌گیری.

همه احکام مربوط به حجاب، چگونگی انجام عمل همخوابگی و اینکه هر زنی مختص شوهر خویش است و نیز احکام طلاق، عده، اولاد، ارث و نظایر اینها که اسلام در این باره مقرر کرده، پیرامون این حقیقت دور می‌زند و می‌خواهد عمل همخوابگی به صورت بازی انجام نشود: «...اما در قوانین مربوط به روابط جنسی زن و مرد که در تمدن غربی حاضر در جریان است، اساس همخوابی زن و مرد یک نوع اشتراک در عیش است و کاری به زندگی مشترک در درون خانواده ندارد. به همین دلیل، متعزّض هیچ یک از احکامی که اسلام درباره بستر زناشویی و فروعات آن وضع کرده نیستند و در آن قوانین، سخنی از عفت، حجاب و اختصاص و امثال آن دیده نمی‌شود» (ر.ک؛ غلامی، ۱۳۸۴: ۱۶۳-۱۲۷ و رحیمی یگانه، بی‌تا: ۱۰۲-۹۹).

یکی از دلایل تفاوت‌های یاد شده در قوانین اسلامی در باب ازدواج و قوانین غیراسلامی این است که اساس قوانین اسلامی مصالح و مفاسد واقعی بشر است و واضع آن قوانین خداوند متعال است. لذا دستخوش تحولات و تطورات امور مختلف قرار نمی‌گیرد، در حالی که قوانین و حقوق سکولاریستی در غرب متکی بر اومانیزم و انسان‌محوری است و با تعریف خاص از انسان و جهان پیوند خورده است و تنها جنبه مادی و این جهانی را در نظر دارند و نه سعادت همه‌جانبه انسان را (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۳۶، ج ۹: ۱۲۲-۱۰۲ و جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳۹۹-۳۹۳).

اسلام با تشویق به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به ندای فطرت پاسخ مثبت می‌دهد و زناشویی را یگانه وسیله پیدایش فرزندان درستکار و حفظ بقای نوع شناخته است و نه تنها مشکلی در سر راه این امر طبیعی ایجاد نمی‌کند، بلکه از این نیروی طبیعی به سود اجتماع و برای زندگی فردی بهره‌برداری می‌نماید و علاوه بر اینکه به آرامش جسمی در زندگی زناشویی توجّه دارد، می‌خواهد یکی از پایه‌های سعادت

آدمی که آرامش روحی، اخلاقی و فکری است نیز در سایه پیوند ازدواج تأمین سازد. اینکه پیوندهای زناشویی در عصر ما آنقدر سست و بی‌دوام گردیده که در برابر حوادث بی‌ارزش و کوچک به آسانی از هم می‌گسلد، بدین علت است که در اینگونه ازدواج‌ها به واقعیت‌های زندگی توجه نمی‌شود، و این پیوندها به دنبال یک سلسله رویاها و افکار کودکان و تصورات خام بسته می‌شود.

اسلام همه مسلمانان را تشویق می‌کند که به تشکیل خانواده دست یازند. از سوی دیگر، درباره یکی از موانع ازدواج، یعنی فقر مادی و اقتصادی می‌فرماید که فقر نباید مانع ازدواج گردد. خداوند به زن و مرد فقیر مژده می‌دهد که اگر پیش‌قدم شوند، آنان را از فضل خویش بی‌نیاز می‌سازد.

۵- تشخیص جایگاه زن و مرد و تأثیر آن در تحکیم خانواده

اسلام میان زن و مرد از نظر تدبیر شئون اجتماع و دخالت اراده و عمل آن دو در این تدبیر و مدیریت تساوی کامل برقرار کرده است. دلیل این تساوی هم این است که زن تمام آن حوایج و نیازهایی را دارد که مرد داراست و از این روی، قرآن می‌فرماید: «شما زنان و مردان از جنس یکدیگرید» (آل عمران/ ۱۹۵). پس زن و مرد در تمام آنچه که اسلام آن را حق می‌داند، برابرند و در مسایل زناشویی و پیدایش و بقای نوع بشر هم هر کس بر اساس اعضای فیزیولوژی خویش نقش خود را ایفا می‌نمایند و کسی بر کسی مزیت ندارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۹ و ج ۴: ۳۶۲-۲۲۹).

در اسلام زن و مرد یار و یاور و مکمل یکدیگرند و تکامل هنگامی حاصل می‌شود که این دو در تعامل صحیح و مجاز یکدیگر را کامل کنند و به فرموده قرآن: «...هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهِنَّ...» (البقره/ ۱۸۷).

نگاه اسلام به زن مبتنی بر انسانیت انسان است و این همان نقطه ضعف گروه‌های مختلف فمینیستی است که جنبه غالب در آنها بحث جنسیت است و به همین خاطر، نه تنها نتوانسته‌اند، مسایل پیش روی زن معاصر را حل و فصل نمایند، بلکه مشکلات و مسایل میان زن و مرد را بحرانی‌تر کرده‌اند. نیک می‌دانیم که زندگی صحنه صلح و جنگ، مهر و خشم و جذب و گریز است و نیز روشن است که زندگی با صلح و مهر و جذب شیرین‌تر است.

نکته دیگر اینکه رسیدن به گلستان زیبای صلح و آرامش و مهر و جذب بدون از خود گذشتگی، ایثار و تحمل سختی‌ها محال است. در این میان، زنان به عنوان دختر، همسر و مادر به سهولت می‌توانند از همان آغاز زندگی نهال و بذر زیبای مهر و عطوفت و زندگی با صلح و آرامش را در دل برادران، شوهران و فرزندان بکارند و بارور سازند. اما زن به انجام وظایف یاد شده موفق نمی‌شود، مگر با خودسازی، جهاد با نفس و مبارزه با تمایلات شیطانی و هواهای غالب. از این روست که پیامبر (ص) می‌فرماید: «جهاد زن، شوهرداری خوب است» (برای آگاهی بیشتر، ر.ک؛ جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: ۵).

۶- مدیریت در خانه و استحکام خانواده

تک‌والدی یا همجنس‌گرا یا هم‌زیستی آزادانه زن و مرد را نباید اساسی خانواده بدانیم. برای ترویج این اصل باید پیروان ادیان الهی، به ترویج خانواده طبیعی با بیان کارکردهای مؤثر اجتماعی و آثار مفید روان‌شناختی آن پردازند. در مقابل نیز پیامدهای ناگوار گونه‌های نامناسب خانواده را تشریح نمایند.

۲. همه نهادها و گروه‌های بشری دارای مراتبی هستند. خانواده نیز از این امر مستثنا نبوده است. برای تحکیم ساختار خانواده، لازم است جایگاه سنتی والدین را در خانواده استمرار بخشیم. والدین در تربیت و اجتماعی کردن فرزندان، نقش بسیار مهمی دارند و بی‌شک، بیشترین سرمایه‌گذاری مادی و عاطفی در خانواده، از سوی والدین صورت می‌گیرد. بی‌تردید ایفای این مسئولیت‌ها تنها در صورت برخورداری آنان از جایگاه بالاتر در خانواده میسر است. تقسیم قدرت بین زن و مرد نیز باید به شیوه‌های معقول و مناسب صورت گیرد. از آن‌جا که معمولاً مسئولیت اداره اقتصادی با مرد است، برخورداری او از جایگاه بالاتری در تصمیم‌گیری‌ها در استحکام خانواده تأثیر بسیاری دارد. زن نیز در محدوده‌هایی، تصمیم‌گیری را به عهده می‌گیرد و مرد هماهنگ با او عمل می‌کند. آموزه‌های اسلامی به خوبی این نحوه تقسیم کار و تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بین زن و مرد را نشان می‌دهد.

۳. تحکیم باورهای دینی در خانواده تأثیر مهمی در تقویت خانواده و ایفای کارکردهای آن دارد. یکی از مشکلات مهم فرآیند جهانی شدن، بروز بحران هویت در افراد و خانواده‌هاست. گم کردن جهت و معنای زندگی، افراد را دچار آشفتگی کرده و در مشکلات زندگی فردی و خانوادگی آنان را به استیصال می‌کشد. مهمترین باورهای دینی، خداپرستی و توحید، اعتقاد به زندگی پس از مرگ و باور به رسالت انبیا و جانشینان آن‌ها است. باور و پایبندی به این امور، زندگی را از فضای مادی و دنیوی بیرون آورده و جهت اخروی و معنوی می‌دهد.

ترویج چنین معنویتی در اعضای خانواده به ویژه والدین می‌تواند خانواده‌ها را از بسیاری بحران‌ها نجات دهد. پیوند والدین با مسایل معنوی، در هویت‌یابی و رفتار فرزندان نیز نقش دارد. لازم است آثار معنویت در زندگی را برای والدین و فرزندان تبیین نمود. برای ترویج خداگرایی، آشنا کردن فرزندان با عبادت‌گاه‌ها و شعائر دینی بسیار مؤثر است. حضور و مشاهده بناهای با عظمت و با شکوه دینی مانند مساجد و عبادت‌گاه‌های کهن که سال‌ها محل و مأوای خداپرستان بوده است، می‌تواند در معنویت افراد بخصوص جوانان بسیار مؤثر باشد. همچنین صحبت از زندگی پس از مرگ و مراحل مختلف آن، با استفاده از متون اصیل دینی در هویت‌یابی و جهت‌دهی زندگی افراد نقش مهمی دارد. برای ترویج رسالت انبیا در باور افراد نیز زندگی، سیره و اخلاق، رفتار و نحوه مواجهه آن‌ها با مسایل مهم زندگی می‌تواند الگوی مناسبی برای اعضای خانواده‌ها بخصوص جوانان فراهم کند. چنان‌چه، متون مشتمل بر زندگی‌نامه، الگوها و اسطوره‌های اخلاقی به شکلی جذاب و آموزنده به این نسل ارایه شود، آنان بخشی از هویت خویش را در الگوها و اسطوره‌ها می‌یابند.

۴. استمرار و تحکیم روابط خویشاوندی، در حفظ و تقویت خانواده در فرآیند جهانی شدن بسیار مؤثر است. اکنون در بیشتر جوامع خانواده هسته‌ای، بیشتر خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد. کم شدن رابطه بین خانواده هسته‌ای با سایر خویشاوندان بخصوص خانواده‌های اصلی زن و شوهر، موجب شد که آن‌ها در مشکلات مختلف زندگی خانوادگی، از حمایت‌های ویژه عاطفی و مادی خویشاوندان محروم باشند. این در حالی است که خویشاوندان با توجه به ارتباط خونی و عاطفی نزدیک و عمیق با خانواده هسته‌ای، می‌توانند بهترین حمایت‌ها را در اختیار آنان بگذارند، به همین جهت با توجه به مبانی اسلام، می‌توان برای خانواده مراتبی در نظر گرفت. خانواده مرتبه اول همان زن و شوهر و فرزندان آن‌ها هستند. خانواده مرتبه دوم فرد، همسر و فرزندان او همراه با والدین او یا والدین همسرش می‌باشند. خانواده مرتبه سوم فرد نیز، خواهر و برادران او یا همسرش را نیز در برمی‌گیرد. با ترویج چنین تلقی از خانواده، نه تنها روابط اعضای خانواده بهبود می‌یابد و با مشکلات زندگی بهتر مواجه می‌شوند، بلکه روابط خویشاوندی را می‌توان با دید کارآمدتری نگریست.

۵. رعایت مرزهای رفتاری و عاطفی درون خانواده و بیرون آن، اصلی است که برخی درمان‌گران خانواده برای سلامت و کارایی خانواده، لازم شمرده‌اند. زن و شوهر، در درون خانه باید از فضای فیزیکی و روانی مجزا از سایرین بهره‌مند باشند و در ساعت‌های معینی از شبانه‌روز جدا از سایرین امکان تعامل عاطفی و روانی داشته باشند. برای فرزندان بخصوص دختران در دوره کودکی دوم تا جوانی باید فضای اختصاصی در نظر گرفته شود و سایرین بدون اجازه آن‌ها وارد این فضا نشوند. متون اسلامی محدوده این فضاها را تعیین نموده است. بسیاری از انحرافات جنسی مانند همجنس‌بازی، تجاوز به کودکان و زنانی با محارم که آثار روان‌شناختی ناخوشایندی دارد، در اثر عدم رعایت چنین مرزهایی است. همچنین باید بین اعضای خانواده و سایرین، مرزهایی باشد. هرگونه روابط جنسی و عاطفی ارضا کننده باید به همسر قانونی اختصاص یابد. حدود و شرایط نگاه کردن به سایرین و پوشش شرعی که در متون اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است، در واقع اشاره به همین مرزها و حدود است. مهمترین کارکرد این مرزها تحکیم روابط عاطفی بین اعضای خانواده، بخصوص زن و شوهر است.

۶. کنترل استفاده از رسانه‌ها در خانواده، تنها راه حفظ انسجام خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن به سبب ارتباطات مجازی است. از آن‌جا که شیوه کنترل از بالا، معمولاً به آسانی خنثی می‌شود، بهترین راه تربیت خانواده، ترویج فرهنگ استفاده مناسب و معقول از رسانه‌هاست. هر چند هر روزه اخباری درباره آثار نامطلوب تلویزیون، رایانه و اینترنت به سلامت روانی و جسمانی افراد منتشر می‌شود، راه کار مناسبی برای ترویج استفاده مناسب از رسانه‌ها ارایه نشده است. در هر حال، استفاده از رسانه‌ها در بعد کمی و کیفی باید تعدیل و مهار شود. برنامه‌ریزی زمانی معینی برای استفاده اعضای خانواده از رسانه باید با توافق اعضای آن تدوین شود. از لحاظ کیفی نیز لازم است بر اساس

ارزش‌های دینی، اخلاقی و بومی ملاک‌ها و مرزهایی برای استفاده از برنامه‌ها تعیین شود متناسب با مراحل تحول، برنامه‌هایی در اختیار فرد قرار گیرد.

در سنین نوجوانی و جوانی که معمولاً افراد به درک عقلانی و انتزاعی می‌رسند، تبیین و توجیه ملاک‌های مطلوب و نامطلوب بودن برنامه‌ها، برای آن‌ها ضروری است.

نتیجه‌گیری

عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند از جمله: حسن معاشرت در خانواده که در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود، نظم و انضباط که اسلام در هیچ یک از حوزه‌های جامعه خود به هرج و مرج معتقد نیست، بلکه همواره خواستار نظم و انضباط در همه ابعاد فردی یا همگانی است. توجه به یکسانی در آفرینش، همکاری و همدردی، اندیشه تساوی میان مرد و زن، همکاری و همدردی با خانواده باید در چارچوب آیین خدا باقی بماند و وسیله فساد، رشوه و غصب حقوق و اشاعه فحشاء نگردد. یکی از عواملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد، وجود روحیه مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. انسان تشنه دوستی و محبت است.

امروزه جهانی شدن به عنوان آمیزه‌ای از روندهای گوناگون که در ابعاد مختلفی تجلی می‌یابد، بر جنبه‌های مختلف زندگی تأثیر قابل توجهی دارد. هرچند هنوز تعریف کاملاً روشنی از این پدیده وجود ندارد، معمولاً در مورد وحدت جهانی فرآیندهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که دارای اثرات بین‌المللی فزاینده‌ای هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد و آگاهی وسیعی نیز از نقش این عوامل بر تجارت روزمره فراهم می‌نماید. این پدیده به عنوان ویژگی شاخص و چشمگیر تاریخ معاصر آثار متفاوتی را بر زندگی مردم جهان برجای گذاشته است؛ به طوری که فرآیند جهانی شدن با بهره‌گیری از آخرین فن‌آوری‌های ارتباطی کلیه ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی حریم خانوادگی و فردی را مورد تهدید قرار داده است. در مجموع برای استمرار ارزش‌های دینی و اخلاقی در بین انسان‌ها، راهی به جز تحکیم خانواده نداریم. خانواده در معرض حملات و یورش‌های بسیاری قرار دارد. با این وجود باید مشکلات را اداره کرد، خانواده باید خود اختیار خویش را در دست گیرد و این امر ممکن است بی‌تردید خانواده مصرف‌کننده و منفعل مسیر نابودی را طی می‌کند. باید بین خانواده و توسعه، تعامل برقرار کرد و ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی حاکم بر خانواده‌ها را حفظ و تقویت نمود. از دیدگاه بسیاری از جامعه‌شناسان بدون وجود سازمان خانواده تداوم جوامع بشری امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب تأکید اصلی بر حفظ و بقای خانواده است که بتوان تداوم نسل را در آن دنبال کرد، کودکان و فرزندان را تربیت نمود،

آموزش داد و نسل های بعدی را به عنوان عناصر خلاق و مؤثر به جامعه تحویل داد و بدین لحاظ سیکل و چرخه اجتماعی مبتنی بر تداوم خانواده است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم

۱. ایمانی، محسن، **جهانی شدن و شکاف نسل ها**، چکیده مقالات کنگره بین المللی خانواده و جهانی شدن، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، مهرماه ۱۳۸۴.
۲. بهشتی، احمد، **خانواده در قرآن ۳**، قم، انتشارات طریق القدس، ۱۳۶۱.
۳. جعفری، محمدتقی، **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۴. جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، **نگرش گذرا به مقام زن در جهان آفرینش**، تهران، مؤسسه انتشارات هادی، ۱۳۶۸.
۵. جهانفر، محمد، **مبانی جمعیت شناسی**، ناشر، دهخدا، ۱۳۷۶.
۶. حرّانی، حسن بن علی، **وسایل الشیعه**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۷. حسینی، اکرم، «تحکیم خانواده در آموزه های قرآنی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۲۶، ۱۳۸۳.
۸. دورانت، ویل، **لذات فلسفه**، ترجمه عباس زریاب، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۹. رحیمی یگانه، زهرا، **خانواده موفق**، اصفهان، انتشارات حدیث راه عشق، بی تا.
۱۰. شریعتی، علی، **فاطمه فاطمه است**، تهران، انتشارات شب دیز، بی تا.
۱۱. طباطبائی، محمدحسین، **المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الأخلاق**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴.
۱۳. غزالی، محمد، **کیمیای سعادت**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
۱۴. غلامی، یوسف، **اخلاق و رفتارهای جنسی**، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
۱۵. کلینی، محمد، **اصول و فروع کافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۱۷. مشکینی، علی، **ازدواج در اسلام**، ترجمه احمد جنتی، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۰.
۱۸. مطهری، مرتضی، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۶۶.
۱۹. مهدوی کنی، محمدرضا، **نقطه های آغاز در اخلاق عملی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۰. سعیدرضا، عاملی، **جهانی شدن و ارزش های اخلاقی خانواده**، چکیده مقالات کنگره بین المللی خانواده و جهانی شدن، مهرماه ۱۳۸۴.

۲۱. تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، گروه نویسندگان، صص ۱۷۴-۱۷۶، موسسه علمی-پژوهشی
امام خمینی (ره)، قم، سوم، ۱۳۸۸.